

عرفای شبے قاره

عرفاء کلمه عربی و جمع "عارف" است. عارف کسی است که به جز خدا به کسی بستگی ندارد. به جز خدا از هیچکس نمی ترسد. حتی هراسی از مرگ هم ندارد. هم خود را می شناسد و هم خدارا. حقیقت دنیا را خوب درک می کند و ذل بدین جهان گذشتند، نمی بندند. به مال و زر و جاه و منصب دنیا علاقه ای ندارد. دنبال حرص و هوانمی رود. همیشه در فکر آخرت است. با مردم مستقیماً در ارتباط است. هیچکس را اذیت نمی کند. بدی هیچکس را نمی خواهد و پیوسته برای اصلاح جامعه کوشش می کند. وجود عرفاء نعمت بزرگ خدا است.

این حقیقت است که دین اسلام در شبے قاره توسط عرفاء پیشرفت کرد. عرفایی مانند حضرت سید علی هجویری^۱، حضرت خواجه معین الدین چشتی اجمیری^۲ و امیر کبیر حضرت سید علی همدانی^۳ به این سرزمین آمدند. از دعوت و ارشاد اینها هزاران نفر از کفار و مشرکین، حلقه به گوش اسلام شدند. حضور هر یک از اینها، شخصاً یک نهضتی بود که سرنوشت این منطقه را به کلی عوض کرد. نقش مهم اینها در راه اشاعه اسلام در شبے قاره فراموش کردند نیست. مهمترین اینها عبارتند از: بابا فرید الدین شکر گنج، خواجه نظام الدین اولیاء، شیخ بهاء الدین زکریا، مخدوم جهانیان جهان گشت، حضرت میان میر، حضرت مجدد الف ثانی و خواجه سید محمد گیسو دراز.

این عرفاء دوستدار مردم این دیار و از مشکلات آنها آگاه بودند. اینها به دور ترین نقاط این سرزمین نیز رسیدند. هر جا که رفتند، مدرسه ها ساختند و خانقاہ هائی بنادند که هر یک از آنها کاریک دانشگاه علم و ادب و عرفان را انجام داد. اینها با مردم محروم پیوستگی های نزدیکی داشتند و در میان آنها عوامانه زندگی کردند.

بعضی از عرفاء به زبان‌های منطقه‌ای و محلی شعر هم سرو دند. شعر عارفانه اینها به مردم این نواحی تاثیر زیادی گذاشت. مردم منظومه‌های این بزرگ مردان را تاکنون نیز خیلی دوست دارند و شیفتہ سادگی و صمیمیت آنها هستند.

در پنجاب بابا فرید، شاه حسین، بلھ شاه، سلطان باھو، خواجه غلام فرید و میان محمد بخش، در سرحد رحمان بابا، در سند سچل سرمست و شاه عبداللطیف بهتائی، در بلوچستان شه مرید و توکلی مست و در کشمیر لله عارفه از قبیل همان عارفانی بودند که شعر عرفانی آنها جاودانی است.

(معین نظامی)

فرهنگ

هراس : خوف، ڈر	بستگی : وابستگی، تعلق
بدین : باین، اس سے	درک می کند : بحثتا ہے
علاقہ : تعلق، وچھی	گذشتني : قالی
مستقیماً : براہ راست	دنیاں : پیچھے
بدی : برائی	در ارتباط است : رابطہ رکھتا ہے
پیوستہ : ہمیشہ	جامعہ : معاشرہ
پیشرفت : ترقی	توسط : کے ذریعے
شخصاً : ذاتی طور پر، اپنی ذات میں	دعوت و ارشاد : تبلیغ، رشد و ہدایت
سرنوشت : تقدیر، مقدر	نهضت : تحریک

بعض کرد : تبدیل کیا	به کلی : مکمل طور پر
اشاعه : اشاعت، فروغ	نقش مهم : اهم کردار
فراموش کردنی نیست: ناقبل فراموش ہے	نقاط : مقامات، علاقے
مردم محروم : غریب اور مظلوم لوگ	دانشگاہ : یونیورسٹی
عوامانہ : عوام کی طرح	پیوستگی های نزدیکی: قریبی رابطہ
محلی : مقامی	منطقہ ای: علاقائی
منظومہ ها : نظمیں، کلام	نواحی : ناجیہ کی جمع، علاقے
تاکنون نیز : اب تک بھی	بزرگ مردان : عظیم لوگ
جاودا نی : لافانی	شیفتہ : شیدائی، گرویدہ
	ضمیمیت : خلوص

تمرین

۱- قاری میں جواب دیجیے۔

۱- عارف چہ کسی است؟

۲- اسلام در شبہ قارہ چھطور پیشترفت کرد؟

۳- عرفای شبہ قارہ با مردم چھطور رفتار می کردند؟

۴- شعر عارفانہ چیست؟

۵- دہ عارف شبہ قارہ را نام ببرید۔

۲- ذیل کے مرکبات کی نشاندہی کیجیے۔

حقیقت دنیا ، جهان گذشتی ، اصلاح جامعہ ، نقشِ مہم ، مردم محروم

۳- اس سبق میں سے ” فعل حال ” تلاش کر کے الگ لکھیے۔

۴- واحد سے جمع اور جمع سے واحد بنائیے :

عرفا ، دل ، مال ، جامعہ ، مناطقہ ، نقاٹ ، دانشگاہ ، منظومہ ہا ، بزرگ مردان ، آپہا

۵- فارسی میں ترجمہ کیجیے۔

۱- سچا صوفی خدا کے سو اکسی سے نہیں ڈرتا۔

۲- وہ خواہش نفس کی پیروی نہیں کرتا۔

۳- بر صیر میں اسلام کی اشاعت میں صوفیاء نے اہم کروار ادا کیا۔

۴- کچھ صوفیاء نے مقامی زبانوں میں شعر بھی کہے ہیں۔

۵- یہ صوفیاء عوام کی طرح زندگی گزارتے تھے۔